

معرفی منابع

غیر فارسی انسان‌شناسی
در چکیده‌های ایران‌شناسی

(بخش اول) ۱۹۷۸-۱۹۸۸

مجله چکیده‌های ایران‌شناسی* که از سال ۱۹۷۸ هر سال یکبار چاپ می‌شود، در بین محققین ایرانی کمابیش شناخته شده است. اما منابع مهم برای مطالعات انسان‌شناسی مربوط به ایران که در این سالنامه همه‌ساله درج می‌گردد احتیاج به معرفی بیشتر دارد. این مقالات و کتب در اصل به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیائی... چاپ شده و در این فهرست معرفی شده‌اند. ما طی ده سال ۱۹۷۸-۱۹۸۸ حدود ۴۰۰ منبع داریم و آنها را با تقسیم‌بندی موضوعی خواهیم آورد و درخصوص هر تقسیم‌بندی توضیحی خواهیم داد. طبیعتاً اصل تمام این منابع در دست راقم نمی‌باشد، اما از آن‌رو که معرفی منابع در چکیده‌ها بوسیله متخصصین هر بخش ارائه شده است، از آن‌ها برای توضیح استفاده خواهیم کرد.

امید است با معرفی این منابع بتوانیم گامی در معرفی بیشتر این رشته و کمکی که می‌تواند برای شناساندن کل فرهنگ ایرانی در اختیار محققین قرار دهد برداریم.

آنچه به قسمت‌های مختلف رشته وسیع انسان‌شناسی یگانگی بخشیده است تمرکز بر فرهنگ است و انسان‌شناسان به موضوع‌های مختلف در مکان و زمان‌های متفاوت می‌پردازند، اما همیشه بر جنبه فرهنگی موضوع توجه می‌کنند. با تغییرات عظیم فرهنگی اخیر در کشور، «فرهنگ» یک موضوع بسیار بحث‌انگیز شده است. بسیار نیکوست اگر توجه بیشتری به این رشته که تحقیق در مورد فرهنگ در تخصص‌اش است مبذول شود، و از روش تحقیق آن و دست‌آوردهای علمی آن برای شناختن و شناساندن فرهنگ ایرانی بهره‌گرفته شود.

آنچه در اینجا ارائه خواهد شد، یعنی منابع انسان‌شناسی در مورد ایران و آنچه بخوبی می‌تواند مورد استفاده این رشته باشد، بهترین نمونه آنچه کلاً انسان‌شناسان انجام داده‌اند نمی‌باشد، زیرا متخصصین ایران بهترین متخصصین انسان‌شناسی نیستند زیرا اینان در مورد ایران تحقیق ننموده‌اند. بهترین تحقیقات انسان‌شناسی در میان بومیان قاره آمریکا، آفریقا، استرالیا و جزایر اقیانوسیه انجام شده است. بنابراین قضاوت در مورد امکانات تحقیقی رشته بر مبنای آنچه در مورد ایران انجام شده نباید محدود گردد. بهر صورت بسیاری از مطالبی که در زیر ملاحظه خواهید فرمود در مقایسه با آنچه در همین موارد در زمان کنونی به فارسی موجود است، ارجحیت دارد، و باید حداقل معرفی گردد و در صورت امکان به فارسی برگردانیده شود.

حال به آنچه در چکیده‌ها آمده است زیر عنوان‌های زیر خواهیم پرداخت:

کلیات

انسان‌شناسی ایران

انسان‌شناسی و محیط زیست

انسان‌شناسی جسمانی ایران

باستان‌شناسی فرهنگی

زبان‌شناسی اقوام

جمعیت‌شناسی

اقوام ایرانی

اقلیت‌های مذهبی

خویشاوندی

زنان

فرهنگ و شخصیت

فرهنگ روزمره

نمادها

فرهنگ جسمانی

خوراک

طب اقوام

موسیقی‌شناسی اقوام

انسان‌شناسی ایران بر مبنای نوع معیشت

انسان‌شناسی عشایری

انسان‌شناسی روستایی

انسان‌شناسی شهری

تحول، توسعه و تنش



ژئوشناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انسان‌شناسی آموزش

دیوان‌سالاری

انقلاب

مهاجرت و تبعید

پژوهش پیرامون اختلافات

چنانچه از عنوان‌های بالا پیداست، انسان‌شناسی با رشته‌های بوم‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، علوم سیاسی، جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، طب، گیاه‌شناسی، ادبیات، موسیقی، هنر و ... مرز مشترک دارد.

انسان‌شناسی ایران

1. Digard, J. P. «Anthropologie sociale et Ethnologie du Moyen-Orient Iranien», Comptes rendus des cours et conférences 1977-1978, *Annuaire de l'École des Hautes Études en Sciences Sociales*, 1980, pp. 312-315.

«انسان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی ایران»

2. Digard, J. P. «Problèmes spécifiques posés à l'anthropologie et à l'ethnologie par les sociétés du Moyen-Orient iranien». *Annuaire de l'École des Hautes Études en Sciences Sociales, comptes rendus des cours et conférences 1976-1977*. Paris ÉHÉSS 1978, pp. 336-339.

«مسائل خاص مطرح‌شده از جوامع ایرانی برای انسان‌شناسی و مردم‌شناسی»

3. Ferraro, F. «Sviluppi recenti degli studi di antropologia in Iran» *AION* 45, 1 (1986), pp. 75-86.

4. [Šāhšāhāni] Shahshahani, Soheila. «History of anthropology in Iran», *Iranian Studies* 19, 1 (1986), pp. 65-86.

«تاریخچه انسان‌شناسی در ایران»

5. al-Shahi, Ahmed ed. *The Diversity of the Muslim Community. Anthropological Essays in Memory of Peter Lienhardt*. London, Ithaca Press, 1987, 155 p. (British Society of Middle Eastern Studies Series, 2).

«تنوع جوامع اسلامی»

6. Spooner, B., «Anthropology», *Encyclopaedia Iranica*, II, 1 (1985), pp. 107-116.

«انسان‌شناسی»

دو عنوان اول (۱ و ۲) دربرگیرنده دو مقاله بسیار کوتاه در مورد روش‌های تحقیق که برای خاورمیانه و بخصوص «هویت ایرانی» مورد استفاده قرار گرفته است می‌باشد. این دو مقاله

برخوردی انتقادی با تحقیقات موجود در سال‌های قبل از انقلاب دارند. سه مقاله بعد (۳ تا ۵) در مورد انسان‌شناسی در ایران می‌باشد. مقاله آخر (۶) توجه خاص به آنچه محققین امریکایی و انگلیسی در مورد ایران انجام داده‌اند دارد. مقالات فرارو و شهبهانی (۳ و ۴) به آنچه در ایران انجام شده است می‌پردازند.

انسان‌شناسی و محیط زیست

7. Amanolahi, Sekandar. «The ecological adaptation of the Lutfi herderhorticulturists of South Iran». *Human Ecology* 14, 3 (1986), pp. 355–360.

«دامداران و پالیزبانان جنوب ایران و وفق آنها به محیط زیست»

8. Spooner, B., Horne, L. *Cultural and ecological perspectives for the Turan program, Iran*. Philadelphie, 1980, 49 p., N° spécial de Expedition, 22, 4, 1980, The University magazine of archeology and anthropology, University of Pennsylvania.

«برنامه توران‌زمین از دیدگاه فرهنگی و بوم‌شناسی»

همکاری بین رشته‌های مختلف یک لازمه کسب درک کلی از یک موضوع می‌باشد. در برنامه‌ای که یونسکو در منطقه بیابانی توران در شرق شاهرود داشت (که شامل ۲۰۰۰ کیلومتر با جمعیتی حدود ۳۰۰۰ نفر و ۱۵۰/۰۰۰ دام بود) در این برنامه بین انسان‌شناسان و متخصصین محیط زیست (کلاً ۵ نفر) همکاری داشتند. در این تحقیق اقتصاد خانوار و همچنین ارتباط میان اقتصاد عشایری، روستایی و شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد و محقق محیط زیست به عکسهای ماه‌واره‌ای منطقه برای نشان دادن روش مورد استفاده برای درک مسائل محیط زیست اشاره می‌کند.

۵۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سالنامه علوم انسانی

انسان‌شناسی جسمانی ایران

9. Pardini, E. «Cefalometria della popolazione maschile sistana (Iran)». *Archivio per l'Antropologia e la Ethnologia*, 107, 1977, pp. 47–79.

«Somatometria della popolazione maschile sistana (Iran)». *Ibid.*, 108, 1978, pp. 29–58, en collaboration avec Chiari, Vittorio. «Caratteri emotipologici della popolazione maschile sistana (Iran)». *Ibid.*, 108, 1978, pp. 255–262.

«جمع‌سنجی جمعیت مذکر سیستان»

در این مقاله محقق ایتالیایی با یک نمونه‌گیری از ۳۷۵ مرد در ناحیه سیستان، از اقوام فارس، بلوچ، و براهویی به اندازه‌گیری انسان‌سنجانه در مورد جمجمه، بدن و خون می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که تفاوت‌های آماری قابل توجهی بین آنها موجود است که نشانه تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بین این اقوام است.

10. Henrickson, E. F., «The early development of pastoralism in the central zagros highlands (Luristan)». *Iranica Antiqua*, 20 (1985), pp. 1-42.

«گسترش ابتدایی شبانکارگی بلندیهای زاگرس مرکزی»

11. Hole, F. «Pastoral nomadism in Western Iran», in R. A. Gould (ed.), *Exploration in ethnoarchaeology*. Albuquerque, School of American Research, University of New Mexico Press, 1978, pp. 127-167.

«عشایر کوچ‌رو در غرب ایران»

12. Kramer, C. «An archaeological view of a contemporary Kurdish village: domestic architecture, household size, and wealth». in: C. Kramer, ed. *Ethnoarchaeology. Implications of ethnography for archaeology*, New York, Columbia University Press, 1979, pp. 139-163.

«یک روستای کرد از دیدگاه باستان‌شناسی»

13. Watson, P. J. *Archaeological ethnography in Western Iran*. Tucson, The University of Arizona Press & New York, Wenner-Gren Foundation for Anthropological Research (Viking Fund Publications in Anthropology, 57), 1979, 327 p., cartes, tabl., ill., phot., bibl., index, glossaire.

«مردم‌شناسی باستان‌شناسانه در مورد غرب ایران»

هرچند در مورد باستان‌شناسی ایران منابع بسیار وسیعی موجود است، اما به باستان‌شناسی فرهنگی توجه بسیار قلیلی شده است. هنریکسن (۱۰) با استفاده از بقایای باستان‌شناسانه (سفال) از ۳۳۰۰ تا ۴۳۰۰ قبل از میلاد مسیح به ابتدای زندگی کوچ‌روی در کوه‌های زاگرس می‌پردازد. هول (۱۱) بالعکس با سؤال‌های باستان‌شناسی به سوی کوچ‌روهای امروز می‌رود تا با استفاده از اطلاعات کنونی به مسائل باستان‌شناسی پاسخ یابد. کرامر (۱۲) به روستایی کرد بین کرمانشاه و همدان می‌پردازد. کتاب واتسن (۱۳) بیشتر یک کتاب انسان‌شناسی است تا باستان‌شناسی، فقط توجه نویسنده به فرهنگ جسمانی نیز زیاد بوده است.

زبان‌شناسی اقوام

در مورد زبان اقوام ایرانی زبان‌شناسان منابع بسیاری عرضه کرده‌اند. اما آنچه مربوط به ارتباط میان زبان و فرهنگ باشد بسیار قلیل است. بخشی از کتب و مقالات بیمن به این مهم پرداخته‌اند (۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۲). مقاله خسروخواهر (۳۳۵) با نمونه‌ای محدود به این موضوع بعد از انقلاب پرداخته است.

14. Amani, M. «Naissance et taux de natalité et de mortalité de l'Iran de 1877 à 1950», *Population*, 1, (1982), p. 175-177.
«میزان تولد و وفات در ایران از سال ۱۸۷۷ الی ۱۹۵۰»
15. Amani, Mehdi. «La population de l'Iran au recensement de 1986». *Population* 3 (1988), pp. 537-554. «جمعیت ایران بر مبنای آمار ۱۹۸۶»
16. Liaghat, Q. «Changing a new middle class through the analysis of census data, the case of Iran between 1956 and 1960», *Middle East Journal*, 34, 3, (1980), pp. 343-349.
«تفسیر در طبقه متوسط بر مبنای تحلیل آمار سالهای ۱۹۵۶ الی ۱۹۶۰»
در این سه مقاله آمار جمعیتی ایران با تفسیر داده شده است. مقاله امانی (۱۴، ۱۵) داده‌های مربوط به رشد جمعیت، شهرنشینی، حجم خانوار، ازدواج، مهاجرت، آموزش را در چارچوب بین‌المللی بررسی می‌کند. مقاله لیاقت (۱۶) به طبقه متوسط در ایران می‌پردازد.

اقوام ایرانی

17. Amirahmadi, Hooshang. «A Theory of Ethnic Collective Movements and its Application to Iran». *Ethnic and Racial Studies* 10, 4 (1987), pp. 363-391.
«تحلیل نظریه جنبش‌های جمعی اقوام و کارایی آن برای ایران»
18. Bazin, M. et Bromberger, C. *Documents pour l'étude de la répartition de quelques traits culturels dans le Guilân et l'Azerbayjân oriental*. vol. 2, Paris, CNRS, 1979, 95 p., 16 cartes h. t., 20 fig. Programme d'Établissement de Cartes Ethnographiques de l'Iran, CNRS, RCP 476, Tome 2, fasc. 2, (documents recueillis par A. Askari, M. Bazin, C. Bromberger, A. Karimi). Polycopié.
«اسنادی دربارهٔ چگونگی توزیع چند ویژگی فرهنگی در گیلان و آذربایجان شرقی»
19. Bazin, M. & Bromberger, C. avec la coll. de Askari, A. & Karimi, A. *Gilân et Âzərbayjân oriental. Cartes et documents ethnographiques*, Paris, Éditions Recherche sur les Civilisations (Mémoire, 12), Téhéran, Institut Français d'Iranologie de Téhéran (Bibliothèque Iranienne, 24), 1982, 108 p., ill., bibl. + 16 p. en persan + XVI pl. phot. h.-t. + 42 cartes rangées dans la p. 3 de la couverture, 30 cm.

20. Bromberger, C. *Rapport de mission UNESCO en Iran (28 décembre 1977– 27 Janvier 1978)*, s. l., n. d., 36 p. multigr.

«گزارش مأموریت یونسکو در ایران»

21. Digard, Jean-Pierre éd. *Le fait ethnique en Iran et en Afghanistan*.

Paris, CNRS, 1988, 301 p. cartes, index. «واقعیت قومی در ایران و افغانستان»

22. Franz, E. *Minderheiten in Iran. Dokumentation zur Ethnographie und Politik*, Hamburg, Deutsches Orient-Institut, 1981, 233 p., 29 cm, cartes, index. (Aktueller Informationsdienst Moderner Orient, 8).

«اقلیتها در ایران. اسناد مردم‌نگاری و سیاسی»

23. Kazemi, Farhad. «Ethnicity and the Iranian peasantry», in Milton J. Esman & Itamar Rabinovich eds., *Ethnicity, Pluralism and the State in the Middle East*, Ithaca & London, Cornell University Press, 1988, pp.

201–214.

«قوم‌گرایی و رعایای ایرانی»

24. Monteil, V. «Les groupes islamisés (arabe, irano-indien, turk) de la Libye au Sinkiang», in J. Poirier (éd.), *Ethnologie régionale II: Asie–*

Amérique– Mascareignes, Paris, Gallimard (Encyclopédie de la Pléiade), 1978, pp. 3–85.

«مشرف‌شدگان به اسلام (عرب، هندواروپایی، ترک) از لیبی تا سینکیانگ»

25. Orywal, Erwyn (conception) et Pohlmann, Horst (dessin). *Carte: Iran Ethnische Gruppen / Iran. Ethnic groups*. Wiesbaden, 1988, 1/4.000.000.

(TAVO, carte A VIII 18).

«نقشه: ایران. گروه‌های قومی»

بررسی اقوام جای بسیار با اهمیت‌تری را در تحقیقات انسان‌شناسی به خود اختصاص می‌دهد. محققین علوم اجتماعی در نوشتارهای خود دائم از موزائیک فرهنگ اقوام سخن گفته‌اند، مقالات بالا این موزائیک اقوام را گاه با نقشه ارائه می‌دهند، و گاه در زمان خاصی با نگاه به‌جنش برخی از اقوام به‌هر صورت، هدف شناخت هویت ایرانی است.

امیراحمدی (۱۷) به خصلت‌های مهم نهضت‌های اقوام ایرانی در قرن بیستم می‌پردازد. کاظمی (۲۳) قوم‌گرایی در میان روستاییان ایران را مورد تحلیل قرار می‌دهد و به نقش دولت در (۱) اختتام نزاع‌های قومی و یا (۲) همچون وسیله توفقیابی یک اکثریت قومی اشاره می‌کند.

در مقالات بازن و برمبرژه، جغرافی دان و انسان‌شناس (۲۰، ۱۹، ۱۸) که تعدادی از کتب و مقالات آنها به فارسی ترجمه شده است، نتیجه چندین سال همکاری میان محققین فرانسوی و ایرانی ارائه شده است. در این تحقیقات اطلس مردم‌شناسی یعنی خصلت‌های مختلف مانند زبان، مذهب، کشاورزی، دامداری، مسکن و غیره بر روی نقشه رسم شده است. ادامه دارد